



رفت روحیه بدهد!

رئیس جمهور آمریکا
در فلسطین اشغالی
بایک مشت حرف پوچ
و بالودگی سعی کرد
صهیونیست‌های مایوس را
امیدوار کند و بهشان روحیه
بدهد؛ تحلیل من از سفر
رئیس جمهور آمریکا
به داخل فلسطین اشغالی
و این کارهایی که کرد
و این حرفهایی که زد
این است. اینها مایوسند؛
اینها در جنگ دوازده روزه
آن چنان سیلی خوردند
که پاور نمی‌کردند،
توقعش را نداشتند،
و مایوس شدند.



رشد می‌کند. اگر در دوران تربیت او، مخصوصاً دورهٔ اول تربیت که از هفت سالگی به بعد آغاز می‌شود، پدر و مادرها در تربیت صحیح فرزندشان مراقبت کنند، در آینده از این خانواده جوانی ظاهر می‌شود که نقش مثبت و فعال در زندگی خانوادگی دارد؛ نه تنها مایه آرامش خاطر پدر و مادر، بلکه سرمایه افتخار این پدر و مادر و بزرگ‌ترین کمک‌کار و معین در زندگانی خانوادگی والدین خواهد بود. به‌طوری که هرچه پدر و مادر فرسوده‌تر می‌شوند، نقش این پسر و دختر در زندگانی آنها بیشتر و کامل‌تر می‌شود؛ اما اگر هم خدای ناکرده این تربیت درست انجام نگرفت، بچه همین‌طور که نمی‌ماند؛ بزرگ می‌شود. وقتی بزرگ شد جوانی معتاد فوق‌العاده موزی و مایه ننگ و عار این زندگی است. کانون اضطراب، ناآرامی‌ها، دردها، پریشانی‌ها برای این پدر و مادر همین بچه خواهد بود؛ لذا در مسئله تربیت فرزند باید توجه کنیم.

مسجد، ضلع فراموش شده تربیت

معمولاً پدر و مادرها فکر می‌کنند که کانون تربیت فرزند یک کانون دو ضلعی است: یک ضلع آن خانه است و یک ضلع آن مدرسه. اگر هماهنگی بین متولیان این دو کانون یعنی اولیاء و مربیان صورت گرفت در این صورت شاید بشود با هماهنگی کامل بین متولیان کانون خانه، پدر و مادر و متولیان کانون مدرسه، معلم، ناظم و مدیر بشود، تربیت صحیح و کاملی را برای این بچه ایجاد کرد. اما بنده می‌خواهم امروز، در نماز جمعه، به شما برادران و خواهران و متدینین اعلام کنم: اشتباه نکنید کانون تربیت در حقیقت دو ضلع ندارد؛ کانون تربیت سه ضلع دارد. اگر ضلع سوم را شما نادیده گرفتید این تربیت می‌شود ناقص. ولو مدرسه کار خودش را کامل انجام بدهد و به بچه خوب درس بدهند؛ ولو پدر و مادر

خطبه اول



الحمد لله المتفرد بالكبرياء و أشهد أنه المتوحد بتدبير الارض و السماء و أشهد أن محمداً رحمة للوراء و أكمل الكملاء و أفضل السفراء و خاتم الأنبياء و أشهد أن أمير المؤمنين علي ابن أبي طالب و أولاده المعصومين هم المحجّة البيضاء و منقذ البشر من الضلالة و العمى. اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان صلوات الله عليه عن جميع المؤمنين و المؤمنات في مشارق الارض و مغاربها سهلها و جبلها و برّها و بحرها حيّهم و ميّتهم و عنا و عن والدينا من الصلوات و التحيات زنة عرش الله و مداد كلماته و منتهى رضاه و عدد ما أحصاه كتابه و أحاط به علمه...

رابطه تربیت فرزند در آرامش خانواده

امروز مصادف است با هفته پیوند اولیاء و مربیان. مسئله تربیت فرزندان و مراقبت و رسیدگی به آنها شاید از حساس‌ترین مسائل زندگی در هر خانواده باشد و مسئله پیوند اولیاء و مربیان که مربوط به دو کانون تربیتی فرزند است، مسئله بسیار قابل توجه است. برادران و خواهران، آنچه مسلم است و همه شما دقیق آن را درک می‌کنید، نقش فرزند در آرامش زندگی خانوادگی است. در یک خانواده، فرزندان به وجود آمده‌اند. وضعیت این فرزندان نقش اول را در آرامش این زن و شوهر دارد؛ از مسائل مربوط به سلامتی و بهداشت آنان گرفته تا مسائل مهم‌تر. طبیعی است که هر چقدر این بچه بر سنش افزوده بشود، نقش آفرینی‌اش در آرامش زندگی خانوادگی به مراتب بیشتر می‌شود. این‌طور نیست که ما فکر کنیم اگر بچه‌ها بزرگ شدند دیگر در مسئله نگرانی و دلوپسی یا آرامش و امنیت خاطر پدر و مادر نقش ندارند. این‌طور نیست. بچه تا آخرین لحظه عمرش در آرامش و آسایش زندگی خانوادگی پدر و مادر یا اضطراب و نگرانی آنها نقش فوق‌العاده دارد. بایستی این نقش را خود ما مدیریت کنیم که نقش ناجور برای فرزندانمان در کانون زندگی خانوادگی ما ایجاد نشود.

بعد از گذران مرحله طفولیت که تا سن هفت سالگی است، مرحله تربیت آغاز می‌شود. اگر در این مرحله تربیت مراقبت کامل از طرف پدر و مادر بود، این فرزند



گرفت، این‌ها در مقابل دشمن شدند جوانان فداکاری که از همه چیز انقلاب، دفاع می‌کردند و تا مرحله شهادت می‌ایستادند. داخل هر خانه‌ای می‌رفتید یک شهید بود. در هر کوچه، سه‌تا شهید بود؛ به‌خاطر همان بچه‌های مسجدی. بنده از آن بچه‌های مسجدی خاطرات عجیبی دارم که این‌ها چه‌طور تربیت شدند. فقط مسجد این‌ها را بار آورد.

عزیزان این ضلع سوّم کانون تربیت را از دست ندهید. وجود اقدس امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه، در مورد فرزندان دعایی دارند. آنچه که در بچه و تربیت و سازندگی او از همه چیز مؤثرتر است، مسئله دعا است؛ مخصوصاً دعای پدر. حالا کاری نداریم پدر آدم خوب یا آدم بد، فرقی نمی‌کند. پدر نسبت به فرزندش دعا کند از خدا چیزی بخواهد، این دعای پدر نسبت به فرزند مستجاب می‌شود؛ لذا دعا کردن، رشد بچه را از خدا خواستن، تربیت بچه را از خدا خواستن، آدم در عرصه ارتباطش با خدا بچه‌اش هم مطرح باشد، این خیلی مؤثر است. وجود مقدس امام سجاد (علیه السلام) در مورد فرزندان دعایی در صحیفه سجادیه دارند که دستور می‌دهند چه‌طوری برای بچه‌ها دعا کنید. خاصیت ادعیه صحیفه سجادیه این است که آنچه که امام در مضمون دعا بیان کرده‌اند، همه دارای جنبه آرمانی در زندگی انسان است؛ یعنی بسیاری از حقایق که برای زندگی لازم است، وجود مقدس امام سجاد (علیه السلام) او را به‌عنوان آرزوی درخواست‌شده از خدا مطرح کرده‌اند که این دعا انگیزه بشود برای حرکت انسان‌ها به‌سوی این نقاط که در زندگانی آنها مؤثر است. در مقابل، نقاطی هم که در زندگی افراد مضّر است را به‌صورت نفرین و با دعای منفی تعلیم می‌دهند برای اینکه انسان از آنها دوری بجوید.

امام سجاد (علیه السلام) آرمان‌های مربوط به فرزند و بچه را در قالب جملات دعا این‌گونه بیان می‌کنند: «و اجْعَلْهُمْ

هم همه موجودی و هستی خودشان را به پای بچه‌شان بریزند که این بچه در بهترین مدرسه و بهترین آموزشگاه تحصیل کند، در عین حال در جریان تربیت موفق نخواهند شد. کانون تربیت سه ضلع دارد، نه دو ضلع. ضلع سوم کانون تربیت، مسجد است. اگر شما مسجد را به‌عنوان ضلع سوّم بر خانه و مدرسه اضافه کردید و مسجد مرکز تربیت بچه شد و این بچه در عرصه زندگی و رشد از مسجد، آموزه‌های دینی مسجد و نقطه‌های پرورشی انقلابی تأثیر گرفت، رشد بچه در کانونی سه ضلعی کامل می‌شود؛ اما اگر این ضلع سوّم را نادیده گرفتید با دو ضلع، تربیت کامل نمی‌شود.

شما بررسی کنید جوان‌های نااهلی که در خانواده‌ها به‌وجود آمده‌اند، بعضی در مدارس پیشرفته‌ای تحصیل کرده‌اند و معلمان بسیار مراقب، قوی، متبخر داشته‌اند، پدر و مادر با همه دقت و مراقبت به این‌ها رسیده‌اند اما در عین حال، بچه فاسد شده است. جوان فاسد، یک کانون آتش در خانواده، هستی زندگی خانوادگی پدر و مادر و همه خانه را خاکستر می‌کند، با اینکه در مدرسه خوبی هم درس خوانده است و پدر و مادر هم مراقبش بوده‌اند، همه چیز هم در اختیارش گذاشته‌اند. این ضلع سوم کانون تربیت را برادران و خواهران از دست ندهید.

فعال ساز برنامه مساجد برای جوانان

نگوید آقا همه مسجدها که برنامه ندارند، همه مسجدها که فعالیت اخلاقی و تربیتی ندارند. نه نمی‌خواهد مسجد برنامه و فعالیت داشته باشد. شما وقتی دست بچه را گرفتید با خودتان به مسجد بردید و این بچه مسجدی شد، خود شما می‌شوید مولد برنامه؛ یعنی اگر توی مسجدی که هیچ برنامه هم ندارد بیست‌تا، سی‌تا، پنجاه‌تا پدر آماده شدند برای اینکه بچه‌هایشان را بیاورند، این‌ها را مسجدی بکنند و مسجد را کانون اثرگذاری روی بچه قرار بدهند، خود این می‌شود برنامه. خود این می‌شود کار. پایگاه عظیمی است مسجد. این پایگاه را در تربیت فرزندان از دست ندهید. بنده به عنوان آدمی که سی سال در تهران تجربه مسجدداری داشتم و دارم، می‌گویم من آنجا شاهد بودم بچه‌هایی که می‌آمدند داخل مسجد، مسجدی می‌شدند، آن روزی که انقلاب به پیروزی رسید یا آن روزی که انقلاب اوج

مُسْتَقِيمِينَ لِي» مطیع من باشد، گوش به حرف من بدهد. از من خوشش بیاید. «غَيْرَ عَاصِينَ وَ لَا عَاقِبِينَ» خدایا، بچه من به جایی نرسد که من عاقش کنم. بچه من به جایی نرسد که در مقابل من سرکشی کند. «و لَا مُخَالِفِينَ وَ لَا خَاطِئِينَ» نه خطاکار باشد و نه خطش مخالف خط من باشد. «وَ اَعْنِي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ» خدایا، مرا بر تربیت فرزندانم کمک کن. این دعای امام سجاده علیه السلام است.

اگر می‌خواهید این خصوصیات در زندگی برای فرزندان حاصل بشود، بچه را مسجدی کنید. این ضلع سوم را بر دو ضلع کانون تربیت‌تان اضافه کنید و اگر جریان مسجد و مسجدی بودن آن هم با کمک شما پدر و مادر در وضع این بچه تثبیت شد، این بچه، بچه آرمانی و ایده‌آل شما خواهد بود. پس این پیوند اولیاء و مربیان ان‌شاءالله در مسجدی شدن فرزندان شما هم نقش داشته باشد.

خدایا، به عزت اولیای نقطه کمال تربیت و پرورش فرزندان ولایی ما، نقطه فرج و ظهور مولایمان بقیه‌الله تعجیل بفرما؛

ارواح مطهره شهدا و روح مطهر امام بزرگوار ما را از همه خیرات و مبررات و خدمات ما بهره‌مند بگردان؛

سایه پُربركت مقام رهبری بر سر ما مستدام بدار؛ پروردگارا، از تمام فیوضات زیارت امام هشتم علیه السلام و وابستگی به مقام ولایت علی بن موسی الرضا همه ما را بهره‌مند بفرما.

.....

۱. صحیفه سجاده، دعای بیست و نهم.

اَبْرَاراً اَتْقِيَاءَ بُصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ» خدایا، بچه‌هایم را افراد خوب قرار بده؛ افراد باتقوا قرار بده؛ افرادی که حرف‌شنو باشند؛ افرادی که مطیع تو باشند. «وَ لَا وُلِيَاءَ لَكَ» و مطیع ائمه و رهبران دینی باشند. «مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ» خدایا، بچه من را عاشق اهل بیت قرار بده؛ دلدادۀ اینها باشد. از همین الان دوران بچگی‌اش ایده و فکر خیراندیشی را در این بچه من زنده کن. از همین الان خیر بار بیاید، خیراندیش باشد. انگیزه خدمت به دیگران داشته باشد. «وَ لِجَمِيعِ اَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَ مُبْغِضِينَ، آمِينَ» خدایا، بچه مرا دشمن سرسخت دشمنانت، امریکا و اسرائیل، هر دشمنی که تو داری قرار بده. «اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَصْدِي وَ اقِمْ بِهِمْ اُودِي وَ كَثُرْ بِهِمْ عَدَدِي» خدایا، بازوی مرا با بچه‌ام قوی کن. خدایا، کجی‌های زندگی مرا با بچه‌ام راست کن. خدایا، عدد من و تبار مرا با بچه‌ام زیاد کن. «وَ زَيِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِي» خدایا، زندگی من، محضر من، اصلاً عرصه شخصی و موقعیت اجتماعی مرا با بچه‌ام زینت بده. شما چند تا پدر شهید سراغ دارید که اینها عزیزند در بین مردم فقط به خاطر بچه‌شان چون او در راه خدا جان داد.

«وَ اُحْيِ بِهِمْ ذِكْرِي» خدایا، یک روزی من از دنیا می‌روم، بچه‌ای من بده که یاد من را زنده کند. «وَ اكْفِنِي بِهِمْ فِي غَيْبَتِي» خدایا، در دوران غیبت من، در آنجایی که من نیستم و بچه من هست، این بچه مظهر خوبی من باشد در مقابل چشم مردم. «وَ اَعْنِي عَلَيْهِمْ عَلَى حَاجَتِي» بچه‌ام دادرس و دستگیر من باشد. «وَ اجْعَلْهُمْ لِي مُجِبِّينَ» خدایا، بچه‌ام را عاشق من قرار بده. بچه‌ام دلدادۀ من باشد. بابایش را از همه چیز بیشتر بخواهد. مادرش را از همه چیز بیشتر بخواهد. «وَ عَلَيَّ حَدِيثِ مَقْبِلِينَ





خطبه دوم:

دعای امام رضا علیه السلام برای حضرت

صاحب الزمان علیه السلام

همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

وجود مقدس امام هشتم علیه السلام دعایی راجع به وجود مقدس امام زمان علیه السلام تعلیم فرمودند. بخشی از این دعا درخواست‌هایی از خدا است که آرزومندان دیدار مقدس امام زمان علیه السلام و منتظران که در خط ظهور قدم برمی‌دارند این درخواست‌ها را از خدا برای خودشان باید داشته باشند. چون ما باشیم و امکانات و قدرت خودمان، شایسته نیستیم در مسیر خدمت به بقیه الله ﷺ خادم بشویم. خدا باید ما را قرار بدهد؛ چون در محضر حضرت، خدمت کردن خیلی شرایط می‌خواهد و خیلی از خصوصیات فکری، اخلاقی و اعتقادی برای انسان لازم است که برای کمتر کسی به خودی خود فراهم می‌شود. خدا بایستی برای ما آماده کند. خدمت در محضر امام زمان علیه السلام در دوران غیبت، حرکت در خط زمینه‌سازی ظهور امام زمان علیه السلام، فداکاری و مقاومت در آن مسیر و جاده‌ای است که ما و دنیا را به حاکمیت مهدوی برساند. اگر ما نتوانیم در آن

خط بایستیم، به جایی نخواهیم رسید.

راوی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: «آقا، پس این مهدی علیه السلام شما کی ظهور می‌کند که ما از این گرفتاری‌ها در بیاییم؟» حضرت فرمودند: «مگر تو طاقت روز ظهور مهدی علیه السلام را داری؟ مگر طاقت داری که در خدمت مهدی علیه السلام باشی؟» یعنی به این سادگی نیست که تو فکر کرده‌ای که با دو رکعت نماز مستحبی خواندن دیگر می‌شوی همه‌کاره امام زمان علیه السلام. نخیر، خیلی شرایط می‌خواهد. در این خط قرار گرفتن فداکاری می‌خواهد؛ دفاع می‌خواهد؛ مقاومت می‌خواهد. جان دادن می‌خواهد. عزیز دادن می‌خواهد. از خیلی چیزها گذشتن می‌خواهد؛ لذا در این دعا وجود اقدس امام هشتم علیه السلام، اجتناب از آفاتی که ممکن است یک فرد علاقمند به ساحت مقدس امام زمان علیه السلام را دچار مشکل کند از خدا مطالبه می‌کند. امام رضا علیه السلام تعلیم دادند که اجتناب از آن آفات را هم از خدا بخواهید.

حضرت می‌فرمایند: «وَلَا تَبْتَلِنَا فِي أَمْرِهٖ بِالسَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ وَالْفَسْلِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ» در کار او ما را به دلتنگی و تبلی و سستی و ضعف مبتلا مفرما و ما را از کسانی قرار ده که به وسیله آنان دینت را یاری می‌رسانی.

خدایا، سه چیز در ما نباشد. اگر این موارد در وجود ما

مقاومت داشته باشیم. محرومیت دارد. تحریم دارد. فشار اقتصادی دارد. فقر و ناداری دارد. مقابله دارد. جنگیدن، کشته شدن، شهید شدن، شهید دادن دارد. ادامه بدهیم. تا الان هم این ۴۵ سال ادامه داده‌ایم. همه جا امداد الهی همراه ما بوده است. ما با بهترین وضع پیش بردیم. دشمن هم با بدترین وجه شکست خورده است.

ایستادگی بهترین راه برای عزتمندی

برادران و خواهران، از اول انقلاب تا به امروز در این نظام مقدس در رهنمودهای امامین انقلاب، در همه موضع گیری‌ها و برخوردهایی که ما با آمریکا داشتیم، با تأییدات امام زمان (عج) خوشبختانه یک مورد خطا و اشتباه وجود ندارد که بگویید فلان جا، اگر آقا این را دستور نمی‌دادند، بهتر بود. اگر این کار را نمی‌کردیم، بهتر بود. اگر یک قدم مقابل آمریکا ایستادگی نمی‌کردیم، بهتر بود. این طوری نیست. در همه موضع گیری‌ها، برخوردهایمان تا الان پیش بردیم و هیچ کدامشان هم دچار خطا نشده است. ولی متأسفانه بعضی از عزیزان ما یا دچار سأمه شدند یا دچار فتره شدند. این‌ها می‌گویند اگر آن روز ما جاسوس‌خانه آمریکا را نگرفته بودیم و سفارت آمریکا تسخیر نشده بود، این همه مشکلات به وجود نمی‌آمد. همه مشکلات مال آن روز است. بعضی از شما عزیزان که این حرف‌ها را می‌زنید در آن زمان خودتان هم همه‌کاره بودید. واقعاً ما در چه موقعیتی بودیم که دانشجویان پیرو خط امام رفتند جاسوس‌خانه آمریکا را گرفتند؟ نسل امروز نمی‌داند چه بوده؛ ولی شما که می‌دانید ما در چه موقعیتی بودیم.

وقتی از پاییز ۴۱ نهضت امام شروع شد تا زمستان ۵۷ که این انقلاب به پیروزی رسید، آمریکا هر کار توانست کرد که این انقلاب به پیروزی نرسد. از انواع و اقسام شکنجه‌ها، زندان‌ها، جنایت‌ها، آدم‌کشی‌ها، قتل عام‌های پانزده خرداد هفده شهریور و مصائبی که برای امام ایجاد کردند که این انقلاب به جایی نرسد، ولی نتوانست. انقلاب پیروز شد. اینها حتی در درجه آخر، فرمانده‌هایز را اینجا فرستادند که با اختیارات تام مردم این مملکت

باشد، نوکر امام زمان (عج) نمی‌توانیم باشیم. نمی‌توانیم در مسیر وجود اقدس بقیه الله (عج) قدم برداریم. این سه چیز در ما نباشد:

اولین آن «اِسْأَمَةٌ»، سأمه را خستگی معنا می‌کنند. سأمه خستگی نیست. سأمه یعنی به ستوه آمدن.

آقا، می‌خواهی در خط امام زمان (عج) بایستی؟ خیلی کار دارد. خیلی زحمت دارد. خیلی مقاومت می‌خواهد. خیلی ایستادگی می‌خواهد. از خیلی چیزها باید بگذری. با خیلی‌ها باید در بیفتی. آخرش طاقت نمی‌آوری. سأمه یعنی بی‌طاقت شدن و به ستوه آمدن. خدایا، من از کسانی نباشم که در خط نوکری امام زمان (عج) و فدایی شدن برای بقیه الله (عج) به ستوه بیایم، طاقتم را از دست بدهم. «والکسل» نشاط من محفوظ باشد. نشاط در نوکری داشته باشم. نشاط در کارم داشته باشم. نشاط در خدمت داشته باشم. سن انسان که بالا می‌رود، نشاطش از دست می‌رود، یک طوری نباشد که دچار کسالت بشوم. خدمت به بقیه الله (عج)، فدایی شدن در راه بقیه الله (عج)، مقاومت در خط دفاع از امام زمان باعث نشود که من بژم. آفت سوم «الْفَتْرَة» است. قرآن می‌گوید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۲. فتره من الرسل یعنی گسست. خدایا، من گسست پیدا نکنم. این خطی که انتخاب کردم که در مسیر وجود اقدس بقیه الله (عج) مقاومت کنم، بایستم، با دشمنانش بجنگم و خط را ادامه بدهم. دنیا را آماده ظهور کنم. از اینکه زمینه‌سازی ظهور حضرت را در دنیا ترویج کنم، نژم. دچار گسست نشوم. اگر بریدم دیگر نیستم اینجایی که هستم.

برادران، مشکل ما در این زمان همین است. خب آقای عزیز، مردم تا ۴۵ سالگی انقلاب، پای همه چیز انقلاب ایستاده‌اند، دشمن به نقطه یأس و ناامیدی رسیده است که انقلاب را ساقط کند با همه قدرت هم بنای جنگیدن دارد. ما هم با همه قدرت و توان و طاقت باید بنای

این تسخیر جاسوس‌خانه، انقلاب دوم بوده که ما انجام دادیم. حالا عده‌ای پیدا بشوند و بگویند، بی خود تسخیر کردید سفارتخانه را؛ کشورهای دیگر هم اتاق اطلاعات و جاسوسی را داشتند، چرا آنها را تعطیل نکردید؟ نخیر، واقعاً سفارت‌های دیگر، کار سفارت آمریکا را می‌کردند در جاسوسی و فتنه؟! مگر خبر ندارید چه طوری بوده است؟! ما در هیچ موردی به رهنمودهای امام بزرگوار تا زمانی که حیات داشتند و رهنمودهای سازنده مقام معظم رهبری تا به امروز قدمی در مقابل آمریکا برنداشتیم که بعد بگوییم اگر این کار را نمی‌کردیم، بهتر بود. بگوییم دچار خطا و اشتباه شده‌ایم. ما تا الان دچار خطا و اشتباه نشده‌ایم.

سه زاویه اجلاس شرم‌الشیخ

آمریکا، آمریکایی است که همین هفته گذشته خودش را نشان داد که چه موجودی است. اجلاس شرم‌الشیخ در واقع میدان طمع‌ورزی آمریکا برای ایجاد کمپ دیوید دوم بود که بیاید اسرائیل را بر همه کشورهای عرب تحمیل کند تا او را به رسمیت بشناسند. خوشبختانه آمریکا در این هدفش هم شکست خورد. اجلاس شرم‌الشیخ سه زاویه داشت: یک زاویه‌اش تحقیر سران بود. رئیس‌جمهور آمریکا سران دنیا را تحقیر کرد؛ چه غربی‌ها چه عرب‌ها. تحقیری که برخاسته از جنون قدرت بود، نه تحقیر برخاسته از خود قدرت. زاویه دوم که در اجلاس شرم‌الشیخ به وجود آمد، این بود که ایران‌هراسی راه انداخت. گفت ما چون اسرائیل به ایران حمله کرد، مراکز اتمی ایران را بمباران کردیم؛ لذا الان توانستیم آتش بس در مسئله غزه ایجاد کنیم. یعنی منشأ تمام این جنگ‌ها، ایران است.

ایران‌هراسی آمریکا، کاسبی آمریکاست. آمریکا در همه توطئه‌هایی که علیه ما دارد، با ایران‌هراسی کاسبی هم می‌کند. دارد با ایران‌هراسی زندگی‌اش را می‌گذراند. آمریکا از هر مقطعی استفاده می‌کند دنیا را از ایران بترساند، بازار فروش تسهیلات خودش را رونق بدهد. سلطه نظامی‌اش را بر سر کشورهای منطقه تثبیت می‌کند. پایگاه نظامی می‌سازد. آنها هم از ترس ایران،



را قتل‌عام کند و نگذارد این انقلاب پیروز بشود. وقتی که او آمد و ارزیابی کرد، متوجه شد که این کار شدنی نیست. چند نفر را بکشند؟ چه کسانی را بکشند؟ چقدر قتل‌عام کنند؟ ده نفر می‌مانند یا نه؟ همان ده نفری که بمانند باز هم انقلابی هستند. دیدند نمی‌توانند کاری بکنند. فکر کردند درست مثل لشکر شکست‌خورده‌ای که می‌خواهد عقب‌نشینی کند، راه را باز کند لشکر مخالف بیاید بعد او را محاصره کند. اینها راه را باز کردند، انقلاب پیروز بشود، بعد انقلاب را محاصره کنند. انقلاب به پیروزی رسید. اینها مشغول محاصره انقلاب شدند. کودتای نوژه را راه انداختند. مشکلات کردستان را به وجود آوردند. در هر نقطه‌ای یک‌طور، در ترکمن صحرا یک‌طور، در میان عرب‌های خوزستان یک‌طور، در مورد بلوچ‌ها، در هر نقطه‌ای شد فتنه‌ای را سرپا کردند تا با چندین فتنه از اطراف کشور، کشور را مستأصل کنند. انقلاب برگردد. این کار را می‌کردند و پایگاه و مرکز قدرت و فرماندهی‌شان سفارتخانه آمریکا در ایران بود.

باید ما چه کار می‌کردیم؟ می‌ایستادیم نگاه می‌کردیم، همه جنایت‌ها بشود؟! انقلابی که برایش همه خون داده‌اند، برگردد؟ بچه‌های عزیز ما با ایمانشان رفتند و جاسوس‌خانه آمریکا را گرفتند. آن مقداری که از جنایات و جاسوسی و فتنه‌هایی که آمریکا در این جاسوس‌خانه انجام می‌داد به دست ما افتاد، هشت جلد کتاب قطور شده است. در این باره دوتا تعبیر داشتند امام. تعبیر اولشان این بود که فرمودند: «اسلام به آمریکا سیلی زد.» یعنی این شد سیلی اسلام به آمریکا. حیثیت آمریکا ریخت. آن هیمنه پوشالی‌ای که دنیا روی آن حساب می‌کرد، در هم شکست. تعبیر دومشان این بود که



اجازه می‌دهند آمریکا پایگاه نظامی درست کند. نیروی نظامی منطقه هر روز یک ناوگان می‌فرستد که هر چه منویات آمریکا، در دزدی‌ها و اقتصادها و بردن نفت هست به عنوان تأمین امنیت در مقابل خطر ایران انجام بدهند. انحراف افکار عمومی کشورهای عرب ایجاد می‌کند که مبدا کشورهای عرب به‌عنوان مسلمان با ایران یکی بشوند و ایران که محور مقاومت هست، دنیای عرب را بگیرد و به صورت یک غدهٔ لاعلاج برای آمریکا در بیاید. تا اینجا دارد استفاده می‌کند.

اختلاف و شکاف و تفرقه و دشمنی بین کشورهای منطقه ایجاد می‌کند برای اینکه منطقهٔ خاورمیانه را مدیریت کند و در مقابل روسیه و چین، این منطقه در چنگ آمریکا بماند؛ لذا ایران هراسی راه انداخته است.

صیانت از، به تعبیر مقام معظم رهبری، یک سگ‌هار زنجیری مثل اسرائیل در این منطقه و متوقف کردن ایران برای تبدیل شدن به الگوی موفق از انقلاب برای کشورهای دیگر؛ این کاسبی آمریکاست در ایران هراسی‌اش.

زاویهٔ سوم شرم‌الشیخ، تطهیر اسرائیل بود. اسرائیلی که در دنیا آبرویش رفته است. اسرائیلی که به عنوان جنایتکار جنگی، نخست‌وزیرش را دادگاه بین‌المللی دارد تعقیب می‌کند. اسرائیلی که در هر گوشهٔ دنیا، حتی در خود آمریکا، مردم، مرد و زن علیه اسرائیل به پا خاسته‌اند، تطهیر کند؛ لذا با کمال وقاحت گفت: امروز مردم دنیا همه عاشق اسرائیل شده‌اند. عاشق اسرائیل؟! عجب عاشقی. همهٔ عشق‌ها همین‌طور است؟ این تظاهرات عجیب در نقطه‌های مختلف دنیا. اینها عشق به اسرائیل است؟! این لعن‌ها و نفرین‌هایی که مردم دنیا با زبان‌های گوناگون، فرهنگ‌های مختلف، نسبت به اسرائیل می‌فرستند، این عشق به اسرائیل است؟!

کار به کجا رسیده است که در مقابل چشم مردم دنیا این‌طوری حرف زدند. این از استیصال دشمن است. دشمن بی‌منطق، دشمنی که هیچ دلیلی ندارد، دشمنی که اصلاً به هیچ وجه راه رشد در مسیرش نیست. با مردم دنیا حرف می‌زند. این‌طوری با مردم دنیا حرف می‌زند. این استیصال دشمن ما و دست خالی شدن دشمن ماست. یک عده از مردم به آقای رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه

ایراد می‌گیرند که چرا شما شرکت نکردید؟ شما را هم که دعوت کرده بودند. واقعاً بعضی چه فکر می‌کنند در این مملکت؟! این حالت غرب‌زدگی، چنان این‌ها را کور و کر کرده است، مثل اینکه هیچ چیزی را نمی‌بینند. حتی آسمان روشن و بدیهیات را هم نمی‌بینند و می‌گویند چرا نرفتید شرکت کنید؟ شما هم می‌رفتید، شرکت می‌کردید. شاید آمریکا از لجبازی‌اش دست برمی‌داشت. مگر آمریکا لج دارد؟ آمریکا دشمن است، می‌خواهد ما را براندازی کند. بحث لجبازی نیست؛ بحث نابودسازی است. چون تمام موقعیت استکباری او در دنیا از بین رفته است. آمریکایی که آقای دنیا بوده است، به این وضع افتاده که مقابل دنیا ایستاده و این‌طوری حرف بزند و در همهٔ نقاط دنیا حتی در خود آمریکا، پرچم آمریکا را آتش بزنند. درعین حال یک عده ناآگاه بگویند چرا مذاکره نمی‌کنید؟ یک عده ناآگاه‌تر بگویند چرا شرم‌الشیخ نرفتید؟ از همهٔ اینها گذشته یک عده بگویند چرا جاسوس‌خانه را آن روز گرفتید؟ این زمزمه‌ها در مقابل این رشد عظیم مردم ما، بیداری مردم ما، این هوشیاری که مردم ما امروز در دشمن‌شناسی و آمریکاشناسی پیدا کرده‌اند، در مقابل این حرکات و این زمزمه‌هایی که از گوشه و کنار، به گوش می‌خورد، مایهٔ تعجب است که اینها چه چیزی فکر می‌کنند که این‌طور حرف می‌زنند؟! آن هم در مقابل مردم بیداری که امروز هم آمریکا را شناخته‌اند و هم فساد آمریکا برای همهٔ دنیا روشن شده است. در تاریخ آمریکا از روز اول به این افتضاح و بی‌آبرویی‌ای که امروز آمریکا رسیده است، نرسیده بوده که امروز آمریکا رسیده است. خب مردم این را ببینند با چشم.

خدایا، به عزت اولیایت، بر آن خطی که ما از کربلا داریم، آن خطی که ما از عاشورا داریم، ما را ثابت قدم نگه بدار.

.....

فهرست منابع:

۱- بحار الانوار، ۵/۳۳۵/۹۵، سیدبن طاووس، جمال الأسبوع بکمال العمل

المشروع، ج ۱، ص ۵۱۷.

۲- مائده، ۱۹.

۳- سیدبن طاووس، اللهوف، ص ۹۷.